

مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه ★★

یادداشت مترجم

حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه جدیدترین شاخه حقوق بین‌الملل عمومی است که با توجه به وضع آشفته جهان و محارباتی که در هر گوشه برپاست، شاید امروز بیش از هر زمان دیگری موضوعیت و فعلیت پیدا کرده باشد و محققاً شایان توجه دانشمندان ماست. مقاله‌ای که ذیلاً به نظر می‌رسد، به منظور افزایش آگاهی از مقررات مربوط به آن عموماً و تطبیق آن با قواعد اسلامی بالاخص ترجمه شده است. نویسنده گرچه در این زمینه دقت نظر به خرج داده است، ولی به نظر می‌رسد از جنبه تاریخی، بعضی مطالب مقاله به بررسی بیشتری نیاز داشته باشد. راست است که شارع مقدس اسلام در حوزه حقوق و تکالیف طرفین محاربه از پیشروان اندیشه بشر دوستی است، ولی این سخن نویسنده، که در روزگار باستان (از زمان یونانیان و رومیان تا قرون وسطی) از دولت و قانون و مناسبات خارجی و بالاخص حقوق جنگ به کلی اثری نبوده، قابل تأمل و مطالعه است.

شواهدی در دست داریم که در میان قبایل جزیره‌العرب پیش از اسلام و نیز در متون سیاسی و حقوقی هند و چینی نیز قواعدی برای جلوگیری از رفتارهای وحشیانه در جنگ وجود داشته است. اکنون پس از ایراد این ملاحظات، خوانندگان را دعوت به مطالعه اصل مقاله می‌کنیم و بحث بیشتر در خصوص حقوق بین‌المللی در ایام قدیم را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم.



★ استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

★★ این مقاله ترجمه فصل چهارم کتاب زیر از انتشارات سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد است و نویسنده مقاله حامد سلطان، استاد سابق حقوق عمومی دانشگاه قاهره است:
Hamid, Sultan. "Islamic Conception of Humanitarian Law" in *International Dimensions of Humanitarian Law*, (Henry Dunant Institute, Geneva UNESCO. Paris, 1988).

مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه بین‌الملل یکی از عناصر ذاتی و اصول بنیادین نظام حقوقی اسلامی است: مفهومی سنجیده و مستقل و جذاب است، از این جهت که ماحصل استدلالهای قوی و صادقانه و جدی است.

برای پی‌بردن به ارزش ذاتی مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه باید آن را در چارچوب حقیقی خود قرار دهیم و در چشم‌انداز تاریخی بررسی کنیم زیرا مشی اسلامی که ماهیتاً جهانی است و زمان و مکان را درمی‌نوردد، تنها بر منازعات مسلحانه مبتنی نیست بلکه بر اعتقادات مسلمانان و ماهیت نظام حقوقی اسلامی و برداشت آن از رابطه بین جهان اسلام و جهان خارج نیز متکی است. بنابراین، جهت روشن نمودن و قابل درک کردن مفهوم مورد بحث باید عناصر عمده آن را مورد بررسی قرار دهیم و در عین حال عوامل لازم برای هرگونه تفکر پخته و منظم را در نظر داشته باشیم.

بنابراین در آغاز باید بگوئیم که نظام حقوقی اسلام دو ستون اصلی دارد که مشابه دیگر نظامهای حقوقی معاصر نیست.

اول اینکه نظام حقوقی اسلامی ماهیتاً نظامی این جهانی یا دنیوی نیست، بلکه دارای منشاء الهی و مقدس است و عبارت است از اعمال ایمان اسلامی به نحوی مشخص در مورد روابط انسانی. اسلام نه تنها یکی از ادیان، بلکه مجموعه قواعدی حاکم بر رفتار مؤمنین و شکل‌دهنده روابط آنان در جامعه است. در اسلام، ایمان دینی و نظم حقوقی، کل تجزیه‌ناپذیری درست می‌کنند که در آن، ایمان منشاء و مصدر و نظم حقوقی مکمل آن است.

دوم اینکه نظام حقوقی اسلامی برخلاف اغلب نظامهای حقوقی معاصر که شامل حقوق خصوصی و عمومی می‌باشند، به شاخه‌های جداگانه تقسیم نمی‌گردد. قواعد آن از قرآن گرفته شده و مقوم کلیتی خطاب به هر شخصی در هر زمان و مکان می‌باشد: قواعدی است دارای منشاء الهی برای افراد از حیث فرد بودن و نیز برای اجتماعات و جوامع به هر شکل و نوع و دارای هر ساختاری که باشند. خداوند از طریق پیامبر خود، انسان را به طور کلی و بدون تمایز مخاطب قرار می‌دهد و قواعدی را جهت اداره و تنظیم رفتار وی در جامعه و هدایت او در زمینه اعتقادات و ایمان مقرر می‌دارد. بنابراین در اسلام فقط یک خدا و یک قانون وجود دارد. این قانون خطاب به همه بدون تمایز و تبعیض می‌باشد و شامل مجموعه قواعدی حاکم و ناظر بر کلیه روابط مختلف، و تمامی مناسبات انسانی است. ماهیت این روابط و تنوع آنها هر چه باشد، پایه و اساس آن قواعد یکی است.

اما باید متوجه بود که در دایره قانون اسلامی، حقوقدان در هر عصری ممکن است به طبقه‌بندی علمی قواعد مذکور بپردازد و قاعده‌ها برحسب مضمون یا غرض از آن، خصوصی، عمومی، داخلی و یا بین‌المللی معرفی نماید، این کار به علم حقوق و تحقیقات حقوقی مربوط می‌گردد. آنچه امکان ندارد، این است که سعی کنیم مفاهیمی یکسره بیگانه مانند وحدت اصل Monism یا تثویت اصل Dualism را وارد حقوق اسلامی‌نمائیم، یا ویژگیهای مقدس‌آن یعنی یگانگی اساس و بنیاد و تساوی تکلیف و عموم و شمول آن را تغییر دهیم.

نکته شایان توجه دیگر اینکه در هر بررسی واقعاً عمیق مفهوم حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در اسلام باید چارچوب تاریخی‌را نیز در نظر داشته باشیم و جهت مقایسه منصفانه دو جنبه ضروری را حتماً مد نظر قرار دهیم، یعنی جنبه زمانی و جنبه محیطی. اسلام در قرن هفتم میلادی ظهور کرد، در حالی که حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم هنوز شکل نگرفته بود. بنابراین بین این دو مفهوم سیزده قرن فاصله وجود دارد. اگر با اطلاعاتی که امروزه داریم، به این سیزده قرن بنگریم و وضع جهان و جامعه را در آن روز با امروز مقایسه کنیم، ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که تغییرات در کلیه شؤون زندگی به حدی بوده که می‌توان از آن به انقلابی حقیقی تعبیر کرد. البته در بررسی کنونی نمی‌خواهیم تصویری تاریک از جهان و جامعه در قرن هفتم میلادی ترسیم کنیم و بعد آن را با جهان و جامعه امروز مقایسه کنیم. قصد ما صرفاً جلب توجه به این عامل اساسی است، زیرا باید از مشتبه ساختن مسائل و زمانها با یکدیگر پرهیزیم و مقایسه‌ای را که می‌خواهیم بکنیم، در چارچوب صحیح قرار دهیم.

اسلام در قرن هفتم هنگامی ظهور کرد که جنگ، سلطه‌جویی، رقیت، برده‌داری و جهل حکومت می‌کرد. زور در تمامی شؤون زندگی عرض‌اندام می‌کرد و کیفیت بی‌قید و شرط داشت. جوامع آن دوران هیچ‌گونه ساخت اجتماعی یا اقتصادی نداشتند یا حداکثر از این حیث در حد بسیار ضعیفی بودند. مفاهیم دولت، سرزمین، مرز، تابعیت، روابط سازمان یافته، ارتباطات و اطلاعات یا وجود نداشتند یا ناشناخته بودند. هدف اسلام این بود که این خلاء تاریک‌را پر نماید، اساس رسالت اسلام دینداری و متمدن کردن بشر و غرض از آن به منصفه ظهور رسانیدن خواست جامعه‌ای نوین برای ایجاد انسجام و ورود به صحنه عمل بود، جامعه‌ای که بعد از آن می‌بایست مسلط بر سرنوشت خود باشد. به این جامعه نوین، دینی مبتنی بر توحید و نظامی حقوقی نشأت گرفته از سه منبع قرآن، سنت و اجتهاد عطا شد.

قرآن کلام قدیم خداوند، «پروردگار تمامی جهانیان» است که به پیامبر برگزیده او جهت ابلاغ به همه اقوام و مردمان وحی شده است. قرآن به تفاریق در طی ۲۳ سال و هرزمانی که مشکلی بوجود می‌آمد، معمولاً جهت حل آن، نازل گردید. قرآن برای راهنمایی انسان در سراسر زندگی دنیوی و معنوی فردی و جمعی و خطاب به تمامی طبقات افراد و جوامع در هرزمان و مکان نازل شده است. موضوع محوری قرآن یکتاپرستی محض، یعنی اعتقاد به یگانگی خداست، هرچند به تمامی جنبه‌های زندگی می‌پردازد. قرآن به ۱۱۴ سوره دارای ابعاد بسیار مختلف تقسیم شده است. هر سوره شامل آیاتی می‌گردد که جمع آنها در تمامی قرآن به ۶۶۰۰ می‌رسد حدود ۲۰۰ آیه قرآن بدنه حقوق اسلام را که حاکم بر روابط حقوقی است، تشکیل می‌دهند. قواعد این سیستم آمرانه است و باید همیشه بر روابط معین و بخصوص که ناظر بر آنهاست، اعمال گردد. شایان ذکر است که علت وجودی کلیه قواعد مندرج در این ۲۰۰ آیه به پنج اصل بنیادی که شالوده کل نظام حقوقی اسلامی است، برمی‌گردد. این اصول عبارتند از: (۱) عدالت، (۲) مساوات، (۳) شور بر اساس دموکراسی، (۴) وفای به عهد، (۵) مقابله به مثل.

کاربرد اصل اخیر محدود به قواعد اخلاقی است، اما در مجموع این پنج اصل ارزشهای محوری و کلی نظام حقوقی اسلامی را تشکیل می‌دهند. با مرگ پیامبر اسلام نزول وحی به پایان رسید و مسلماً دیگر چیزی به قرآن نمی‌شود افزود. در اینجا است که نقش اجتهاد مطرح می‌گردد که باید بر اساس اصول کلی مذکور تمامی قواعد و راه‌حلهای جدید برای زندگی و تنظیم رفتار بشر به وسیله آن استنباط گردد. باید توجه داشت که هر قاعده و یا راه‌حلی که با اصول بنیادین ذکر شده مطابقت نداشته باشد ممکن نیست اسلامی تلقی گردد.

سنت پیامبر (ص) دومین منبع حقوقی اسلامی است، رفتار و سلوک پیامبر در ایفای رسالت خود و گفتار و کردار و عکس‌العملهای وی نسبت به اعمال دیگران، منبع قواعدی است که در حقوق اسلامی قدرت قانونی دارد. این قواعد مکمل قواعد قرآنی است، از این جهت که در تأیید و تفسیر قواعد اخیر است و یا معین می‌سازد که آن قواعد چگونه باید اعمال گردند.

اما مسئله این است که قرآن و سنت در زندگی پیامبر عمیقاً ریشه دارند و بعد از او، اینها دیگر قادر به ایجاد قاعده نخواهند بود. از آنجا که زندگی دائماً در تکامل

وتحول است و اسلام ماهیتاً دارای کاربرد متداوم می‌باشد، منبع قانونگذار زنده دیگری لازم بود؛ مبنی قادر به ایجاد قواعد جدید قابل تطبیق مستمر در زمان و مکان به کلیه مناسبات نوپدید جوامع پرتحرک و پویا، این سومین منبع نظام حقوقی اسلامی است. یعنی اجتهاد یا استنباط مستدل، که به‌صراحت در قرآن و سنت پیش‌بینی شده است. به‌وسیله اجتهاد می‌توان تمامی قواعد مورد لزوم در حیات متغیر جوامع در حال تحول و تکامل دائمی را با تکیه بر دلیل استنباط نمود. اما مجدداً باید تأکید کنیم که این استنباط تنها در محدوده پنج اصل بنیادی اسلامی می‌تواند صورت بگیرد.

آنچه موجد نیرو و استحکام معنوی و دنیوی اسلام در سه قرن اول حیات آن می‌شد، همین منبع سوم بود. اما با کمال تأسف در زمان حکومت عباسیان حکام که خواستار قدرت مطلقه و بی‌حد و حصر بودند، مصلحت دیدند که اجتهاد را متوقف و راه را بر روش قیاسی ببندند. از آن زمان به‌بعد، اسلام و نظام حقوقی آن در جهانی پویا و پرتحرک، ایستا و ساکن مانده‌اند. پیامدهای تصمیم مزبور (اتخاذ شده در عصر عباسیان) به‌اسلام و رسالت آن در گسترش تمدن لطمه زده است. فقط در دهه‌های اخیر بوده که نسل جدید فقها و حقوقدانان اسلامی جهت برخورد با مشکلات جهان امروز دوباره به اجتهاد روی آورده‌اند. اما تلاشهای این عده همراه با بیم و تردید بوده است، زیرا دولتهای جدید با اختیار قانونگذاری که داشته‌اند، نقش ایشان را محدود کرده‌اند.

پس باید در این چارچوبی که خطوط کلی آن به‌اجمال ترسیم شد، به‌مفهوم اسلامی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نگریست. این مفهوم در مرتبه نخست مبتنی بر آن دسته آیات قرآن است (بویژه آیات ۱۹۴-۱۹۰ از سوره دوم و آیات ۱۰۵-۱۰۲ و ۱۱۰-۱۰۷ از سوره سوم) که به‌گفتار و کردار پیامبر در دوران عداوتها و دشمنیهای تحمیل شده برایشان مربوط می‌شود، و در نهایت مبتنی بر قواعد استنباط شده از اصول اساسی پنجگانه نظام حقوقی اسلامی است که مقوم فرمانهای صادره به‌سپاهیان اسلام بوده است. شاید بهترین راه روشن ساختن این مفهوم به‌خصوص برای کسانی که با تعالیم اسلام آشنائی ندارند، توضیح آن با توجه به‌کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی باشد. برای این کار، از همین ترتیبی که در پروتکل اول مراعات شده، یعنی بیان قواعد اساسی، شیوه‌ها و روشهای جنگ، حفظ مردم غیر نظامی و حمایت از اهداف غیرنظامی پیروی خواهیم کرد.

۱) مفهوم حقوق بین‌الملل بشردوستانه در اسلام شامل برخی قواعد است که کیفیت بنیادین دارند و سراسر نظام حقوقی بشردوستانه اسلام متأثر از آنهاست. قبل از همه چیز باید توجه داشت که مفهوم اسلامی مورد نظر بین اقسام جنگ یا مخاصمات مسلحانه فرق نمی‌گذارد. اعم از اینکه جنگ برای تبلیغ اسلام یا مطلع کردن مردم از آن باشد، یا جنبه تدافعی داشته باشد و بر علیه کافران، دشمنان، منافقان، تفرقه افکنان، یاغیان و شورشیان باشد، قواعد حاکم بر آن یکسان است، زیرا این قواعد منشاء الهی دارند و باید به وسیله همه بدون تبعیض و تمایز مراعات گردند. لذا این قواعد تمامی منازعات مسلحانه را بدون توجه به ماهیت آنها در بر می‌گیرد. در زمینه اعمال قواعد بشردوستانه، در اسلام فرقی بین منازعات مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی وجود ندارد. در قرن هفتم میلادی نه مفهوم دولت وجود داشت، نه مبارزه مردم با سلطه استعماری و اشغال خارجی و رژیم‌های نژادپرست در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت. گرچه این مفاهیم همه جدید و امروزی است و در قرن هفتم میلادی حتی به تصور هم نمی‌آمده است، ولی اسلام همه را بدون تمایز در بر می‌گیرد. همچنین است مورد جنگ دریائی و هوائی و حتی جنگهای هسته‌ای که تنها بعضی از اشکال جدید جنگ در دنیای امروز است. قواعد اسلامی مربوط به جنگ مبتنی بر گذشت ورحم و همدردی است و ضامن اعتبار الزام‌آور همه منشاء الهی آنهاست. وسعت عملکرد و اعمال آنها هر زمان و مکان و هر قسم مخاصمه مسلحانه را در بر دارد. هر تعلیم و نظریه متمایز با آنها، با اسلام بیگانه است.

یکی از قواعد اساسی مفهوم حقوق بشر دوستانه اسلامی، به مؤمنانی که در راه خدا با دشمنان می‌جنگند، امر می‌کند که هرگز از حدود عدالت و انصاف خارج نشوند و گام در طریق استبداد و ستمگری نگذارند (آیات ۱۰۹ به بعد از سوره دوم قرآن و دستورات پیامبر (ص) به نیروهای خود). اگر این قاعده به زبان امروز بیان شود، آیا از ماده معروف به «اصل مارتس» که در مقررات ۱۹۰۷ لاهه و نیز در ماده ۳۵ نخستین پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ۱۹۴۹ گنجانیده شده است و مقرر می‌دارد که حق طرفین مخاصمه برای انتخاب روشها و وسائل جنگی نامحدود نمی‌باشد شدیدتر و سخت گیرانه تر نیست؟ توجه کنید که سیزده قرن فاصله بین این دو قاعده اساسی رفتار در مخاصمات مسلحانه وجود دارد.

سومین قاعده اساسی در مفهوم حقوق بشر دوستانه اسلامی مربوط به ارزش و کرامت انسان است و رسماً مثله کردن و شکنجه و هر شکل دیگر از رفتار تحقیرآمیز

با دشمن را منع می‌نماید. در آن زمان بریدن قضیب افراد دشمن که در نبرد کشته می‌شدند یا مثله کردن آنها به شیوه‌های وحشیانه دیگر رایج و عادی بود، اما اسلام رسماً پیروان خود را از انجام این کارها منع کرده است. آیات قرآن و سنت پیامبر (ص) و اجتهاد فقهای برجسته اسلامی در این مورد صراحت دارند. برای مثال هنگامی که در یکی از نبردها تصمیم گرفته شد که اسرا را برای مقابله به مثل مثله کنند، پیامبر (ص) که عمویش در همان زمان مثله شده بود، این دستور صریح را به مؤمنین صادر کرد که حتی يك سگ را هم مثله نکنید. فرماندهان همیشه در تعلیمات خود به سربازان مسلمان این دستور را می‌گنجانیده‌اند. از این قاعده اساسی که سیزده قرن قبل برای مبارزه با عملی رایج در آن زمان وضع شده است، می‌توان تمامی تضمینات اساسی کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو را استنباط (اجتهاد) کرد. این استنباط که به نظر ما استنباطی منطقی است، کاملاً در چارچوب پنج اصل بنیادی قرآنی (عدالت، مساوات، شور، عمل متقابل با توجه به اخلاقیات و احترام به تعهدات قبلی) قابل توجیه است و باید اضافه کرد که کاملاً با احترام به حقوق بشر ملازمه دارد که نظام حقوقی اسلام نخستین نظامی بود که آن را باز شناخت و جایگاهی پراحترام به آن اختصاص داد.

۲) قسمت سوم نخستین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو شامل قواعدی در مورد روشها و وسائل جنگی و رزمندگان و اسرای جنگی می‌باشد. این قواعد در کمیته سوم کنفرانس دیپلماتیک در مورد تأیید و انشاء حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در منازعات مسلحات به تفصیل مورد بحث قرار گرفت، و تصویب آن توسط کنفرانس موفقیتی واقعی در زمینه حقوق بشر دوستانه تلقی گردید. لازم به تذکر است که این مقررات در زمان صلح و هنگامی که جنگ فلسفه وجودی خود را از دست داده بود، مورد بحث قرار گرفته است، یعنی زمانی که جنگ دیگر وسیله‌ای ضروری یا صحیح جهت حل اختلافات تلقی نمی‌شد و در افکار عمومی جهان نیز قابل قبول نبود. مع‌هذا تنظیم مقررات مذکور چهار سال طول کشید و تصویبنامه نهائی که به آنها قدرت قانونی می‌داد، در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ یعنی سیزده قرن بعد از ظهور اسلام، به امضاء رسید.

بازرسی دقیق معلوم می‌شود که اغلب مواد قسمتهای سوم و چهارم پروتکل اول الحاقی به وضوح تحت مفهوم حقوق بشر دوستانه اسلامی جای می‌گیرند. دیگر مواد این قسمتها به طور مستقیم در این نظام حقوقی اسلامی وجود ندارند. دلیل این امر واضح است، زیرا چنین جزئیاتی به زندگی در جوامع امروزی مربوط می‌شود و در

قرن هفتم میلادی قابل تصور نبوده است. اما جوهر و ماهیت تمامی این مواد در اصول کلی مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه وجود دارد. قواعد مربوط به واقعیات زندگی در جوامع معاصر و آینده باید در چارچوب پنج اصل اساسی نظام حقوقی اسلام مورد بررسی قرار بگیرند. این واقعیات جدید باید برپایه استنباط (اجتهاد) مورد قبول قرار گیرد و یا رد شود و این بستگی به تطابق یا تناقض آنها با پنج اصل بنیادین نظام حقوقی اسلامی دارد. به عبارت دیگر، هر مقررات قانونی مربوط به امروز یا فردا که موافق با اصول بنیادین اسلام باشد، خود به خود در نظام حقوقی اسلام وارد، و جزء لاینفک مفهوم حقوق بشردوستانه اسلام می‌گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، اکنون به بررسی مفاهیم مندرج در حقوق بشردوستانه اسلام به ترتیبی که در قسمت سوم دومین پروتکل الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیونهای ژنو رعایت شده است، می‌پردازیم.

ماده ۳۵ (پاراگراف ۱) این پروتکل مقرر می‌دارد که «در هر منازعه مسلحانه حق طرفین برای انتخاب روش و شیوه و وسیله جنگی نامحدود نمی‌باشد». همانطور که قبلاً نشان دادیم، قاعده بنیادین مندرج در مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه مقدم بر این قاعده و به مراتب سخت‌گیرانه‌تر و مشخص‌تر از آن است. در واقع ماده ۳۵ (پاراگراف ۱) محدود و منفی به نظر می‌رسد، به این مفهوم که هیچ منع صریحی در بر ندارد و در خصوص انتخاب وسایل و روشهای جنگ، طرفین مخاصمه مسلحانه را به هیچ حدود دقیقی محدود نمی‌کند و صرفاً مقرر می‌دارد که حق انتخاب نامحدود نمی‌باشد. اما قاعده اساسی مندرج در مفهوم اسلامی شامل ممنوعیتی معین و مثبت است و با بیان اینکه هرگز نباید از حدود عدالت و انصاف تجاوز کرد و به راه استبداد و ستمگری افتاد، محدودیتهائی دقیقاً تعریف شده معین می‌کند.

از آنجا که نه ماده ۳۵ (پاراگرافهای ۲ و ۳) و نه ماده ۳۶ پروتکل اول به‌طور صریح در مفهوم بشردوستانه اسلامی مد نظر نبوده است، در بررسی آنها باید اجتهاد کنیم و به معیارهای مذکور در ابتدای بحث متوسل شویم به عبارت دیگر آن موارد را در چارچوب پنج اصل بنیادی نظام حقوقی اسلامی بررسی کنیم تا ببینیم که آیا قابل گنجاندن در مفهوم بشردوستانه اسلامی هستند یا نه. بررسی دقیق ثابت می‌کند که این مواد در هماهنگی کامل با آن اصول اساسی است و با هیچکدام از آنها تعارضی ندارد.

ماده ۳۷ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو به ممنوعیت نقض عهد و مجاز

بودن خدعه‌های جنگی اشاره دارد. به‌عنوان مفهوم بشردوستانه اسلامی نیز حيله و فریب یکی از وسایل مشروع در جنگ بشمار می‌رود. همانطور که پیامبر (ص) فرموده است، جنگ به‌معنی فن و حيله می‌باشد. اما نیرنگ صرفاً به‌معنی دروغ‌گویی نیست. استفاده از استتار و دام و نشر اکاذیب و ارائه اطلاعات دروغ (به‌دشمن) اشکال مجاز فریب می‌باشند. همانطور که همه می‌دانند درست پیش از جنگ رمضان (۱۹۷۳) مصر که مذهب رسمی آن اسلام می‌باشد، به‌طور وسیعی از نیرنگ‌هایی که در اسلام مجاز است، استفاده نمود.

اما نقض عهد و خیانت در اسلام قویاً ممنوع شده است؛ «خداوند پیمان شکنان و خیانتکاران را دوست ندارد (آیه ۵۸ از سوره ۸). بنابراین هر فرد با ایمانی باید جداً و با دقت از پیمان‌شکنی و هر عملی برابر با آن خودداری کند. زیرا تبعیت و وفاداری مطلق لازمه اسلام است. فقهای برجسته اسلامی در ممنوعیت پیمان شکنی متفق‌القول بوده و اجماع دارند، زیرا «اگرچه حيله و نیرنگ همیشه مجاز است، نقض عهد همیشه مستحق تکفیر است.» پیامبر اسلام (ص) غالباً می‌فرمود: «به کسی که به شما اعتماد کرده است، اعتماد کنید و به کسی که به شما خیانت کرده است، خیانت نکنید.» پیامبر (ص) همچنین می‌افزود که صداقت در مقابل پیمان‌شکنی بهتر است از پیمان-شکنی در مقابل شکنی.»

مفهوم حقوق بشردوستانه اسلامی مفاد مواد ۳۸ و ۳۹ اولین پروتکل الحاقی را به‌طور مستقیم دربر ندارد، زیرا این مواد مربوط به نشانه‌ها و علائم تابعیت است که در جامعه قرن هفتم میلادی وجود نداشته است. اما از آنجائی که این مواد با پنج اصل بنیادین اسلام هماهنگی کامل دارند، باید بر اساس اجتهاد نتیجه بگیریم که قسمتی از حقوق بشردوستانه اسلامی می‌باشند.

مفاد مواد ۴۰ و ۴۱ در مورد محافظت از دشمنی که توان رزمی خود را از دست داده است و امان دادن به او به‌طور صریح و یا ضمنی در حقوق بشردوستانه اسلام وجود دارد و می‌توان گفت که بر اساس استنباط مستدل (اجتهاد) جزئی از آن است، مانند مورد سرنشینان هواپیمائی که در وضعیت اضطراری است (ماده ۴۲) چون هدف مخصوصاً مسلمانان در هم شکستن مقاومت دشمن است و فرد دشمن وسیله عمده مقاومت به‌شمار می‌رود، هیچ دشمنی پس از اینکه در نتیجه تسلیم یا اسارت از صحنه مخصوصه بیرون رفت، نباید کشته و یا شکنجه شود. این اصل کاملاً مطابق با مفهوم حقوق بشردوستانه در اسلام است. بنابراین، دستور قتل‌عام مخالف با تمامی اصول اسلامی

و همه بنیادهای نظام حقوقی اسلام است. شکنجه به هر شکل و مثله کردن اسرای جنگی ممنوع می‌باشد، اما فدییه گرفتن یا مبادله اسرا مجاز است، و در عمل پیامبر (ص) و فرماندهان نیروهای مسلح اسلامی بدون قید و شرط اسرای جنگی را آزاد نموده‌اند. در مورد رفتار با اسرای جنگی، کافی است کلام خداوند را در قرآن به یاد بیاوریم که می‌فرماید: «صالحان باید از سرچشمه‌های بنوشند که مجاهدان خدا از آن می‌نوشند... آنان عهد و پیمان خود را به جای آورند... برای رضای خدا به فقرا، یتیمان و اسرا طعام می‌دهند (از آنها نگهداری می‌کنند)» (: سوره ۱۴ آیه ۶) علاوه بر این پیامبر خدا اغلب می‌فرمود: «از اسرا نگهداری و مراقبت کنید.»

قسمت دوم از فصل سوم اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ حاوی مقررات مربوط به عضویت و تشکل و تشکیلات نیروهای مسلح (ماده ۴۳)، رزمندگان و اسرای جنگی (ماده ۴۴)، حمایت از شرکت‌کنندگان در مخاصمه (ماده ۴۵)، جاسوسان (ماده ۴۶) و نهایتاً مزدوران و اجیران (ماده ۴۷) است. روشن است که مسئله شکل‌گیری و تشکیلات و عضویت در نیروی مسلح آمیخته با مفهوم دولت است و چنین مفهومی در زمانی که اسلام در قرن هفتم میلادی ظهور کرد، وجود نداشت. علاوه بر این، نیروهای مسلح در تمامی این جنبه‌ها در حال توسعه و تغییر دائمی می‌باشند که به اختلاف دولتها و جنگها و جنگ افزارها مختلف است. اما فرماندهی و مسئولیت در قبال رزمندگان و مقررات انضباطی و احترام به قواعد قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، عناصر و عوامل ثابت و پایدار می‌باشند و این جنبه‌های ذاتی و دائمی زندگی نظامی همیشه دارای بیشترین اهمیت در عضویت و تشکل و تشکیلات نیروهای اسلامی بوده‌اند. بنابه برداشت اسلام، فرماندهی مسئول انضباط جدی و رعایت مطلق قوانین اسلامی و در مجموع معیار قائل شدن به تمایز اساسی و لازم بین رزمندگان و افراد غیر نظامی است، و این وجه تمایز قاعده بنیادین جنگ بر پایه حقوق اسلامی می‌باشد. بنابراین، ما مواد جدید ۴۴ و ۴۵ را منطبق با مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه تلقی می‌نمائیم، زیرا در این مواد احترام به قواعد بنیادی مربوط به لزوم فرق گذاشتن بین رزمندگان و افراد غیر نظامی در مخاصمات مسلحانه ملحوظ شده است.

ماده ۴۶ اولین پروتکل الحاقی حاوی مقرراتی در مورد جاسوسان است. در اسلام هر زمان شخصی مشکوک به جاسوسی دستگیر گردد، مجازات او بر حسب دین و سن و شرایطی که او اقرار و اعتراف به عمل خود می‌کند، متفاوت می‌باشد. اگر متهم مسلمان باشد و کاملاً به عمل خود اعتراف کند، معمولاً محکوم به مجازاتی تأدیبی

می‌گردد. زیرا فرض بر این است که او به‌علت حرص و طمع دست به‌این عمل زده است، نه به‌سبب بی‌دینی. این شیوه مبتنی بر سابقه رفتار پیامبر می‌باشد که مسلمانی را که نامه‌ای مبنی بر تسلیم و سازش به‌قریش نوشته بود، عفو کرد. اگر متهم مسلمان نباشد، ولی تحت حکومت اسلامی (ذمی) باشد و داوطلبانه اقرار کند، مانند یک فرد مسلمان با او رفتار می‌شود. اگر متهم مسلمان نبوده و به‌دشمن تعلق داشته باشد و در سرزمین اسلام دستگیر شود، محکوم به مرگ می‌گردد. این در صورتی است که او به‌جاسوسی اعتراف کند، اما اگر جرم ثابت نشود و اقرار صورت نگیرد، مظنون یا متهم را شرعاً نمی‌توان به‌قتل رساند. اقرار تحت تهدید یا شکنجه، نزد قاضی معتبر تلقی نمی‌شود. متهم باید داوطلبانه اقرار کند یا اینکه دو شاهد عادل شهادت دهند تا بتوان او را محکوم کرد. با این وصف، به‌موجب مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه، هیچ جاسوسی مستحق رفتاری نیست که با اسرای جنگی می‌شود.

وسرانجام، ناگفته پیداست که اسلام مفهوم مزدور و اجیر را نمی‌پذیرد و تحت هر شرایطی آن‌را انزجار آور و مردود می‌شمارد و این امر با روح ماده ۴۷ نخستین پروتکل الحاقی کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو مطابقت کامل دارد.

۳) همانگونه که همه می‌دانند، شرایط زندگی مردم در قرنهای چهارم و پنجم میلادی از تاریکترین و غم‌انگیزترین شرایط در تاریخ بشر و بخصوص در زمینه منازعات مسلحانه بوده است، و ویرانگری و وحشیگری و مثله‌کردن اجساد جزء کارهای عادی به‌شمار می‌رفته است. هیچ فرقی میان رزمندگان و غیرنظامیان گذاشته نمی‌شد و هیچ حمایتی از زنان، کودکان، پیران و بیماران وجود نداشت. هیچ محدودیتی جهت نابودی و ویرانی اهداف و اشیاء از هیچ نوعی وجود نداشت. قوانین مراعات نمی‌شد. زیرا جهان به‌ورطه نوعی انحطاط و فساد معنوی و مادی افتاده بود. درچنین روزگاری بود که اسلام ظهور کرد. رسالت آن در گسترش تمدن این بود که وضع دردناک جوامع آن روز را بهبود بخشد و این خلاء اخلاقی و حقوقی را که مردم در جوامع مذکور در آن به‌سر می‌بردند، پر کند. شیوه انسانی و بشر دوستانه اسلام تأثیر زیادی بر امور مربوط به منازعات مسلحانه گذارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و صورت‌بندی حقوق مدرن مربوط به جنگ ایفاء کرد. ضرورت و نیاز با مفاهیمی چون انسانیت و فتوت تعدیل‌گردید، ضرورت برای اولین بار تابع و مقید به محدودیتهای بسیار گسترده شد. رسالت اسلام در گسترش تمدن به‌انجام رسید و تأثیر آن باعث ظهور و تولد مجدد تمدن در جهان گردید.

اصول عمومی مندرج در مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه در مورد حمایت از جمعیت و اهداف غیر نظامی مستند به قرآن و سنت و اجتهاد است، و در هر زمان و مکان لازم‌الاتباع بوده و همیشه صرف‌نظر از ماهیت مخصوصه مسلحانه در حال وقوع قابل اعمال است. اصول مذکور در زمانی به وجود آمدند و به‌طور دقیق و معین بیان گردیدند که قاعده این بود که «ضرورت هیچ قانونی نمی‌شناسد».

در مثالهای زیر اصول کلی حقوق بشردوستانه اسلام روشن می‌گردد:

الف) «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید» (سوره ۲ آیه ۱۹۰).

ب) «اما اگر آنان دست برداشتند (از جنگ) خداوند بخشنده و مهربان است» (سوره ۲ آیه ۱۹۲).

پ) «و بجنگید با آنان تا زمانی که فتنه و تجاوز و ستم از بین برود و عدالت مستولی گردد و به خدا ایمان داشته باشید و اگر آنان دست برداشتند از خصومت دست بردارید، مگر با آنان که ستم می‌کنند» (سوره ۲، آیه ۱۹۳).

ت) پس هر کس که به‌جور و ستمکاری به سوی شما دست دراز کند او را به مقاومت از پای درآورید، به‌قدر ستمی که به‌شمارسیده است (سوره ۲، آیه ۱۹۴).

ج) هرگاه رسول خدا (ص) گروهی یا لشکری را به‌مأموریتی خاص گسیل می‌فرمود، به‌فراغش نکردن اخلاص در راه خدا توصیه می‌نمود و می‌گفت: «در راه خدا با کافران جنگ کنید، بچه‌ها را نکشید، به‌آنها خیانت نکنید، آنها را ناقص و مثله‌نکنید و نقض‌عهد ننمائید».

عمر خلیفه دوم همین دستورات را تکرار کرد هنگامی که گفت: «به‌هیچکس ستم نکنید، زیرا خداوند ستمکاران را دوست ندارد. در جنگ هراس و ترس نداشته باشید و در هنگام قدرت بیرحم مباشید و هنگام پیروزی برخلاف شرع عمل نکنید و سوءاستفاده ننمایید. پیران و زنان و کودکان را مکشید و مواظب باشید که هنگام زد و خورد و تاخت و تاز اینها به‌قتل نرسند».

از آنچه گفته شد اصول کلی زیر را که ناظر بر حمایت از افراد و اهداف غیر نظامی است، می‌توان استنباط کرد.

۱) مطابق با مفهومی اسلامی حقوق بشردوستانه، این يك تکلیف است که بین دو دسته افراد، یعنی افراد نظامی و غیرنظامی، در منازعات مسلحانه با هر ماهیت و شکلی

تفکیک قائل شد. خصومت فقط بین نیروهای مسلح مجاز است، این يك قاعده بنیادین و لازم‌الاجرا در نظام حقوقی اسلام است. خداوند چنین می‌گوید: «با کسانی بجنگید که با شما می‌جنگند.» به اصطلاح امروزی، این آیه به این مفهوم است که عمل جنگی فقط به وسیله نیروهای مسلح مجاز است. فقهای اسلامی متفقاً تفکیک قائل شدن بین نظامیان و غیر نظامیان را قبول دارند. افراد غیر نظامی کسانی هستند که نقش فعالی در مخاصمه ندارند. تعریف افراد و اهداف غیر نظامی در سه قسمت ماده ۵۰ اولین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ صرفاً مؤید يك قاعده بنیادین حقوق اسلامی است. و قاعده اصلی در ماده ۴۸ همین پروتکل تنها دستورات دو خلیفه؛ ابوبکر و عمر، به نیروهای خود را در ۱۳ قرن پیش منعکس می‌سازد. مفاد ماده ۴۹ در تعریف حمله و حد صدق آن، عبارت از قواعدی است که تلویحاً در مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه پذیرفته شده است، زیرا مفاد این ماده فقط جزئیات دامنه عمل را مشخص می‌دارد..

(۲) در مفهوم اسلامی، افراد و جمعیت غیر نظامی از مصونیت عمومی خطرات مخاصمات و عملیات نظامی برخوردارند، مشروط بر اینکه به طور مستقیم در عملیات شرکت نداشته باشند و اگر به طور مستقیم در عملیات شرکت داشته باشند، فاقد وضعیت غیر نظامی شده و وضعیت نظامی جایگزین آن می‌گردد. حمایت عمومی از غیر نظامیان طبیعتاً به این معنی است که هیچ‌گونه حمله و تهدید به خشونت و آزاری متوجه آنان نخواهد بود. تمامی حملات کور و بدون تشخیص، و تهدید به ایجاد وحشت و ترور و عملیات تلافی‌جویانه بر علیه غیر نظامیان و جمعیت غیر نظامی به صراحت در مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه ممنوع شده است.

(۳) مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه حمایت‌های ویژه‌ای از بعضی طبقات غیر نظامی مانند اطفال، زنان، پیران، افراد مریض و راهبان مقرر می‌دارد. تمامی دستورات پیامبر خدا (ص) و خلفا صراحتاً اعلام می‌دارند که خصومت نباید بر علیه چنین افرادی صورت گیرد. بدیهی است که مصداق ماده ۵۱ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و همچنین مواد ۴۷۱ و ۷۷ و ۷۸ همین گونه افرادند.

(۴) تحت مفهوم حقوق بشردوستانه اسلامی تکلیف به تفاوت قائل شدن بین اهداف نظامی و غیر نظامی به وضوح امرانه است و استثنائی ندارد. ابوبکر دستور داده بود که نخيلات را نابود نکنید، خانه یا گندم‌زارها را نسوزانید، درختان میوه را نبرید و احشام را نکشید، مگر اینکه در اثر گرسنگی مجبور به این کار شوید و هرگز به صومعه‌ها آسیب نرسانید.

بنابر آنچه گفته شد، حمله فقط محدود به اهداف نظامی می‌گردد، یعنی اهدافی که ماهیتاً و یا بنا به استفاده‌ای که از آنان می‌شود، در جهت پیشبرد خصومت و نزاع می‌باشند، ماهیت و فایده و کاربرد منظور شده از هدفها، معیار تفکیک هدف نظامی از غیر نظامی است. بنابه مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه، فرض بر غیر نظامی بودن هدفهاست، مگر عکس آن ثابت شود. این مسئله از دستورات ابوبکر به خوبی تبیین و روشن می‌گردد و لازم به ذکر است که در حقوق اسلامی ویرانگری زشت و قابل سرزنش است، مگر آنکه در شرایط استثنائی صورت گیرد. دامنه حمایت از اموال غیرنظامی در حقوق اسلامی گسترده‌تر و انسانی‌تر از مفاد فصول ۳ و بعد از آن از قسمت چهارم اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد. معذالك شروط، معیارها و جزئیات احصاء شده در مواد ۵۲-۶۹ و ۶۰-۶۵ اولین پروتکل الحاقی به‌طور مسلم منطبق با روح مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه و بنابراین جزء لاینفک آن می‌باشند.

در خاتمه باید اشاره کرد که مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه به سبب ماهیت پردامنه و مذهبی آن زمینه اعمال گسترده‌ای دارد که تمامی مقررات و موادی را که ممکن است جهت حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه در جهان متلاطم و پر آشوب وضع شود، دربر خواهد گرفت و در مقابل تمامی بلاها و مصیبت‌های جنگ حمایت، گذشت، عطف و بخشندگی را مقرر می‌دارد و عنداللزوم می‌تواند خود به خود تمامی مقررات مربوط به اوضاع جدید را دربرگیرد، البته مشروط به اینکه با پنج اصل بنیادین اسلام هماهنگ باشند.

در این چارچوب است که تمامی دیگر مقررات اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو باید مورد بررسی قرار گیرند. برای مؤمنین چنین بررسی باید همیشه در حالی صورت بگیرد که این کلمات خداوند را مد نظر دارند:

«از میان شما گروهی از مردم برخیزند که همه را دعوت به نیکی کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، اینان از رستگارانند.» (سوره ۳ آیه ۱۰۴).